

## تحلیل آموزه امامت در زیارت نامه اربعین

دکتر محمد رنجبر حسینی<sup>۱</sup>

نجمه صنعتیان<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۵/۱۸

### چکیده

یکی از زیارت نامه‌های معتبر در زیارت امام حسین (ع)، زیارت نامه اربعین آن حضرت است که در روز اربعین خواندن آن بسیار سفارش شده تا جایی که طبق روایت امام حسن عسکری (ع) یکی از علامت‌های مؤمن، زیارت امام حسین (ع) در روز اربعین شمرده شده است. این زیارت نامه گنجینه‌ای ناب در باب شناخت آموزه امامت ولایت است. در این نوشتار برآنیم تا با تحلیل فرازهایی از این زیارت نامه، این آموزه شیعی - یعنی اعتقاد به امام به عنوان حجت خداوند بر خلقش - و اوصاف ویژگی‌های او را بازشناسیم.

### کلیدواژه‌ها

زیارت نامه اربعین، حجت الهی، وصی، ولی، شرافت نسبی، عصمت

۱. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث [ranjbarhosseini@gmail.com](mailto:ranjbarhosseini@gmail.com)

۲. کارشناس ارشد علوم حدیث گرایش کلام و عقاید دانشگاه قرآن و حدیث [n.san.ns8@gmail.com](mailto:n.san.ns8@gmail.com)

## مقدمه

آموزه امامت منصوص یکی از اعتقادات شیعه اثنی عشری است. در این اعتقاد امام کسی است که از سوی خداوند عهده دار هدایت مردم و تبیین دین الهی است. در واقع مشروعیت امام از سوی خداوند است. این امام دارای اوصاف و ویژگی‌هایی است که او را از سایر مردم ممتاز می‌کند. شناخت این اوصاف از رهگذر توصیفات است که خود امامان معصوم (علیهم السلام) از این مقام و جایگاه داشته‌اند. از مهم‌ترین منابع این توصیفات، زیارت‌نامه‌های معتبر و مأثوره است. این زیارت‌نامه‌های اهل بیت (علیهم السلام) به نوعی دائرة المعارف شیعی محسوب می‌شوند که حاوی معارف ناب شیعی در حوزه امامت در قالب زیارات و خطابات هستند. یکی از این زیارت‌نامه‌ها، زیارت امام حسین (ع) در روز اربعین است که از زیارت‌نامه‌های معتبر است و مورد اهتمام بزرگان بوده و در روز اربعین به عنوان یکی از اعمال این روز به شمار می‌رود. تا جایی که در روایتی از امام حسن عسکری (ع) یکی از نشانه‌های مؤمن زیارت اربعین دانسته شده است (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ۲/۷۳۰). زیارت‌نامه اربعین یک دوره امام شناسی است که در آن به جایگاه امام و اوصاف او اشاره شده است تا زائر بداند چه کسی را زیارت می‌کند.

ملاک ما از زیارت‌نامه اربعین در این مقاله، نقل معروف آن است که شیخ طوسی در مصباح المتعجد آورده و سند این زیارت‌نامه را به امام صادق (ع) می‌رساند (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ۷۸۸). محدثان بعدی مانند مرحوم مجلسی در روضه المتقین و بحار الانوار، شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه هم به نقل شیخ طوسی استناد کرده‌اند. روش این نوشتار توصیفی-تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای، با انتخاب فرازهایی از زیارت‌نامه مذکور است.

### ۱. متن زیارت‌نامه

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى الثَّلَعْبَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ  
بِنِ مَعْمَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْعَدَةَ وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ

عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: قَالَ لِي مَوْلَايَ الصَّادِقُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي زِيَارَةِ الْأَرْبَعِينَ «السَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ وَنَجِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيهِ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَى أَسِيرِ الْكُرْبِيَّاتِ، وَقَتِيلِ الْعَبْرَاتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ، وَصَفِيكَ وَابْنُ صَفِيكَ، الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ، أَكْرَمْتُهُ بِالشَّهَادَةِ، وَحَبَوْتُهُ بِالسَّعَادَةِ، وَاجْتَبَيْتُهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ، وَجَعَلْتُهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ، وَذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ، وَأَعْطَيْتُهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ، وَجَعَلْتُهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ، فَأَعَذَرَ فِي الدُّعَاءِ، وَمَنَحَ التُّصْحِحَ، وَبَدَّلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ، لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَخَيْرَةَ الصَّلَاةِ، وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ عَرَفْتَهُ الدُّنْيَا، وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَزْدَلِ الْأَذْنَى، وَسَرَى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ، وَتَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ، وَأَسْحَطَكَ وَأَسْحَطَ نَبِيكَ، وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالْتِفَاقِ، وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ، فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ، وَاسْتَبِيحَ حَرِيمَتَهُ، اللَّهُمَّ فَالْعَنُهُمْ لَعْنًا وَبِيْلًا، وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ، عَشْتُ سَعِيدًا، وَمَصَّيْتُ حَمِيدًا وَمَتَّ فَقِيدًا مَظْلُومًا شَهِيدًا، وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ، وَمُهْلِكٌ مَنْ خَدَلَكَ وَمُعَدِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَقَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ، يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجَّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا، وَلَمْ تُلْبَسْكَ الْمُدْلَهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ، وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبُرِّ الثَّقِيُّ، الرَّضَى الرَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِي، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَأَعْلَامُ الْهُدَى، وَالْعَزْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي، وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ، وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوِّكُمْ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَعَلَى أَزْوَاجِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ، وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ، وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (شيخ طوسي، ١٤١١: ٧٨٨).

سلام برولی خدا و حبیبش. سلام بردوست خدا و برگزیده او. سلام بربنده برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش. سلام بر حسین مظلوم شهید. سلام بر آن دچار گرفتاری ها و کشته اشک ها. خدایا من گواهی می دهم که حسین ولی تو، فرزند ولی تو، و فرزند برگزیده توست. حسینی که به کرامت رسیده. او را به شهادت گرامی داشتی و به خوشبختی اختصاص دادی و به پاکی ولادت برگزیدی و او را آقای از آقایان و پیشروی از پیشروان، و مدافعی از مدافعان حق قرار دادی. و میراث های پیامبران را به او عطا فرمودی. و او را از میان جانشینان حجت بر بندگانت قرار دادی. و در دعوتش جای عذری باقی نگذاشت. و از خیرخواهی دریغ نوزید و جانش را در راه تو بذل کرد تا بندگانت را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند؛ در حالی که بر علیه او به یاری هم برخاستند. کسانی که دنیا مغرورشان کرد و بهره واقعی خود را به فرومایه تر و پست تر چیزی فروختند و آخرتشان را به کمترین بها به گردونه فروش گذاشتند. تکبر کردند و خود را در دامن هوای نفس انداختند. تورا و پیامبرت را به خشم آوردند، و از میان بندگانت، اهل شکاف افکنی و نفاق و بارکشان گناهان سنگین و سزواران آتش را اطاعت کردند. با آنان برای تو صابرا نه جهاد کرد؛ تا در طاعت تو خونس ریخته شد و حریمش مباح شد. خدایا آنان را لعنت کن! لعنتی سنگین. و عذابشان کن! عذابی دردناک. سلام بر توای فرزند رسول خدا. سلام بر توای فرزند سرور جانشینان. شهادت می دهم که تو امین خدا و فرزند امین اویی. خوشبخت زیستی و ستوده درگذشتی. و گم گشته از دنیا رفتی و مظلوم و شهید [بودی]. گواهی می دهم که خدا آنچه را به تو وعده داده وفا می کند. و کسانی را که از یاری ات دریغ ورزیدند نابود می کند و کسانی را که تورا کشتند عذاب می کند. و گواهی می دهم که توبه عهد خدا وفا کردی و در راهش به جهاد برخاستی تا مرگ فرارسید. خدا لعنت کند کسانی را که تورا کشتند و به توستم کردند و این جریان را شنیدند و به آن خشنود شدند. خدای من تورا شاهد می گیرم که من با آنان که او را دوست دارند دوستم. و با آنان که با او دشمن اند دشمنم ام. پدر و مادرم فدایتان ای فرزند رسول خدا. گواهی می دهم که تودر صلب های بلند مرتبه و رحم های پاک، نوری بودی. جاهلیت با ناپاکی هایش تورا آلوده نکرد و از جامه های تیره و تارش به تو نپوشاند. و گواهی می دهم که تواز ستون های دین و

پایه‌های مسلمانان و پناه‌گاه مردم مؤمنی. و گواهی می‌دهم که پیشوای نیکوکار، باتقوا، راضی به مقدرات حق، پاکیزه، هدایت‌کننده، و هدایت‌شده‌ای. و گواهی می‌دهم که امامان از فرزندان، اصل تقوا، و نشانه‌های هدایت، و دستگیره محکم، و حجت بر اهل دنیا هستند. و گواهی می‌دهم که من به یقین به شما ایمان دارم و به بازگشتتان یقین دارم. بر اساس قوانین دینم، و عواقب عملم. قبلم با قلبتان در صلح است و کارم پیرو کارتان، و یاری‌ام برای شما آماده است، تا [زمانی‌که] خدا به شما اجازه دهد. پس با شمایم نه با دشمنانتان. دروهای خدا بر شما و بر ارواح و پیکرهایتان؛ و بر حاضر و غایبتان؛ و بر ظاهر و باطنتان. آمین ای پروردگار جهانیان.

## ۲. شرح مفاهیم

### ۱-۲. امامت

امام از نظر لغت شناسان عرب عبارت از هر کسی یا هر چیزی است که در کارها به او اقتدا شود. ابن فارس (۱۴۰۵) می‌گوید: «الإمام، کل من اقتدی به وقدم فی الأمور» (۴۸). ابن منظور (۱۴۱۴) هم در لسان‌العرب واژه امام را این‌گونه تعریف می‌کند: «أم القوم وأم بهم، تقدّمهم؛ وهی الإمامة والإمام کل من ائتم به قوم كانوا علی الصراط المستقیم أو كانوا ضالّین» (۲۴/۱۲).

قوم را امامت کرد و بر قوم امامت کرد؛ یعنی بر آن‌ها پیش افتاد، و امامت به همین معنا است، و امام کسی است که گروهی به او اقتدا کنند؛ اعم از اینکه در راه هدایت باشند یا گمراهی. ترجمه فارسی «امام»، پیشوا، پیش‌رو رهبر است (بندر ریگی، ۱۳۷۱: ۱۰).

قرآن نیز این واژه را در هر دو مورد اطلاق کرده است. آنچه در این بحث مورد نظر ما است، پیشوای حق است. از نظر شیعه منصب امامت همچون منصب رسالت، منصبی الهی است و امام و پیشوای جامعه اسلامی باید از سوی خدا تعیین شود و به وسیله پیامبر (ص) معرفی شود. امام بایستی رهبر سیاسی، فکری، مفسر قرآن، آگاه از همه رموز و دقایق دینی، معصوم از خطا و منزّه از هر عیب و نقیصه خلقی و خُلقی و ده‌ها ویژگی دیگر باشد (رفیعی، بی‌تا: ۳۸).

علامه حلی در تعریف امام می گوید: «الإمامة رئاسة عامة في الدين والدنيا لشخص من الأشخاص نيابة عن النبي (ص)»؛ امامت، رهبری عمومی در دین و دنیا برای شخصی خاص به عنوان نیابت از پیامبر است (علامه حلی، ۱۴۲۷: ۶۶).

## ۲-۲. زیارت اربعین

اربعین در لغت به معنی چهلم است و در اصطلاح به چهلمین روز شهادت امام حسین (ع) و یاران باوفایش اطلاق می شود. علت اهتمام به زیارت اربعین از دیرباز بین شیعیان این روایت امام حسن عسگری (ع) است که فرمود:

رُوي عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ (ع) أَنَّهُ قَالَ: عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ حَمْسٌ صَلَاةُ الْإِحْدَى وَالْحَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّخَمُّمُ فِي الْيَمِينِ وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (شيخ مفيد: ۱۴۰۱: ۵۳)؛

نشانه مؤمن پنج چیز است: اقامه پنجاه و یک رکعت نماز در شبانه روز (هفده رکعت واجب و سی و چهار رکعت نافله)، زیارت اربعین، انگشتر به دست راست کردن، جبین را در سجده بر خاک گذاشتن، در نماز بسم الله الرحمن الرحيم را بلند گفتن.

سید ابن طاووس (۱۴۰۹) نیز در اقبال الاعمال فضیلت زیارت امام حسین (ع) در روز بیستم ماه صفر را بیان کرده و به روایت فوق استناد می نماید (۱۰۰/۳). علامه حلی (۱۴۰۴) نیز در منتهی المطلب به استحباب زیارت امام حسین (ع) در روز اربعین پرداخته و همین روایت امام حسن عسگری را بیان می کند (۲۹۵/۱۳). علامه محمد تقی مجلسی (بی تا) در روضة المتقین (۳۸۹/۵) و محمد باقر مجلسی (۱۴۰۳) در بحار الانوار در فضل زیارت سید الشهدا (ع) زیارت اربعین را مطرح کرده است و به این روایت امام عسگری (ع) تمسک می نماید (۳۲۹/۹۸).

## ۲-۲-۱. فرازهای منتخب

### ۲-۲-۱-۱. امام حجت خداوند بر بندگان

در فرازی از زیارت نامه اربعین این گونه امام را خطاب می کنیم:

وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأُمَّتَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَأَعْلَامُ الْهُدَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى  
أَهْلِ الدُّنْيَا؛

و گواهی می‌دهم که امامان از فرزندان، اصل تقوا، و نشانه‌های هدایت، و  
دستگیره محکم، و حجت بر اهل دنیا هستند.

یکی از اوصاف امام معصوم (ع) که در زیارت اربعین آمده حجت بودن امام برای اهل  
دنیا است. در فرازی دیگر امام را حجت بر خلق خدا معرفی نموده است (وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً  
عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ). حجة در لغت همان برهان است (مصطفوی، ۱۳۸۶:  
۱۶۸/۲). دلالتی است روشن بر اساس راه مستقیم، با قصد و هدف مستقیم و چیزی که  
بر صحت و درستی یکی از دو نقیض اقتضا و حکم می‌کند (راغب، ۱۳۷۶: ۴۵۰/۱).

در متون روایی شیعه، پیامبر (ص) و ائمه اطهار (علیهم السلام) همه از مفهوم «حجت  
الله» برای تبیین و توصیف حقیقت مقام امامت استفاده کرده‌اند (فاریاب، ۱۳۹۱: ۲۶۰).  
روایات در این زمینه بسیار زیاد است تا جایی که باب‌هایی با نام‌های مشابه  
آن و در بردارنده این نوع روایات مانند «الحجة» در اصول کافی یا «باب الإضرار الی  
الحجة» و... در بحار الانوار و مانند این‌ها در جوامع روایی گشوده شده است. قلمرو  
حجیت ائمه بنا به آنچه در همین زیارت نامه یا در روایات و زیارات مشابه بر آن تأکید  
شده است، «خلق» است. نه این‌که مختص به مسلمانان یا شیعیان باشد و این نکته  
مهمی است (همان).

اما در توضیح چگونگی حجت بودن امام بعضی بر این عقیده‌اند که چون حجت در  
اصطلاح به چیزی گفته می‌شود که هر یک از دو طرف دعوا برای اثبات مدعای خویش آن  
را اقامه و به آن احتجاج می‌کنند؛ خواه مربوط به بحث و مناظره علمی یا حتی مربوط به  
عمل باشد. به این صورت خداوند هم در روز قیامت، به محتوای کتاب - حجت  
مکتوب - از یک سو به سنت معصومان - اعم از گفتار و کردار و تقریر آنان - از سوی دیگر  
احتجاج می‌کند؛ چنان که بندگان او نیز به همین امور استدلال می‌کنند. علاوه بر این  
وجود مبارک معصوم، حجت عملی و عینی خداوند است؛ به این معنا که اگر کسی مثلاً  
بگوید مبارزه با شیطان، ترک گناه و... برای آدمی مقدور نیست، وجود معصوم حجت

عینی بر ضد اوست که توان مندی و قدرت انسان را در این میدان‌ها اثبات می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۲/۱۲۶).

طبق روایات، زمین هیچ‌گاه از حجت‌های الهی خالی نخواهد شد و این حجت‌های الهی، خلفای الهی و جانشینان پیامبرانند. سید رضی (۱۳۸۶) روایتی را از حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه می‌آورد که حضرت به زیبایی به خالی نبودن زمین از حجج الهی و اوصاف ویژگی‌های آن‌ها اشاره می‌نماید؛ که می‌توان با مقایسه و تطبیق فرازهای زیارت اربعین بر مفاد روایت زیرمویدی بر صدور این زیارت‌نامه از امام معصوم از یکسو، و از سوی دیگر تاییدی بر محتوای امام‌شناسی این زیارت دانست:

اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لَكَ بِحُجَّةٍ إِمَّا ظَاهراً مَشْهُوراً وَإِمَّا خَائِفاً مَغْمُوراً لَيْتَلاً  
تَبْطُلُ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ وَكَمْ ذَا وَ أَيْنَ أَوْلِيكَ أَوْلِيكَ وَاللَّهُ الْأَقْلُونَ عَدْداً وَ  
الْأَعْظَمُونَ عِنْدَ اللَّهِ قَدراً يَحْفَظُ اللَّهُ بِهِمْ حُجَجَهُ وَبَيِّنَاتِهِ حَتَّى يُوَدِّعُوهَا نُظْرَاءَهُمْ وَ  
يُزْعَوُهَا فِي قُلُوبِ أَشْبَاهِهِمْ هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ وَبَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ  
وَاسْتَلَانُوا مَا اسْتَوْعَرَهُ الْمُتَرَفُونَ وَ أَنْسُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ وَ صَحَبُوا الدُّنْيَا  
بِأَبْدَانٍ أَرْوَاحُهَا مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى أَوْلِيكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالدُّعَاءُ إِلَى دِينِهِ  
(قصار ۱۴۷)؛

پروردگارا! آری، زمین از کسی که به وسیله حجت دین خدا را برپا دارد خالی نماند. که او یا ظاهر و آشکار است و یا ترسان و پنهان از دیده‌هاست. تا حجت‌های الهی و دلیل‌های روشن او از بین نرود. این‌ها چه تعدادند و کجا هستند. سوگند به پروردگار که تعدادشان کم است و قدر و منزلتشان در پیشگاه پروردگار بزرگ است. پروردگار توسط ایشان حجت‌ها و نشانه‌های خود را حفظ می‌کند تا آن‌ها را به مانند ایشان بسپارند و در دل‌های خویشان بکارند. علم و دانش نور حقیقت‌بینی را بر آنان تابانده است و ایشان روح‌یقین را دریافته‌اند و فداکاری و تحمل سختی‌ها در راه دین را؛ آنچه برای ناز پرورده‌ها سخت است، برای آنان آسان است. و آنچه نادانان از آن فراری هستند، آنان بدان خو گرفته‌اند. با بدنهایشان در دنیاوند ولی جانهایشان به ملاً اعلی آویخته است. این‌ها جانشینان خداوند در روی زمین‌اند و مردم را به دین او دعوت می‌کنند.



از مجموع مطالب ذکر شده به دست می‌آید که در زیارت امام حسین (ع) و سایر امامان معصوم (علیهم‌السلام) به حجت‌های الهی بر همه اهل زمین و مردمان سلام می‌نماییم و آن بزرگواران را طرف خطاب قرار می‌دهیم. نکته دیگر این که اگر در زیارت عاشورا مصیبت شهادت امام حسین (ع)، بزرگ‌ترین مصیبت شمرده شده است، به این دلیل است که حجت خدا بر خلقش در صحرای کربلا به شهادت می‌رسد و اهل بیت او را به اسیری می‌برند. پس جای دارد اهل آسمان‌ها و زمین برای این مصیبت گریه و مویه کنند.

### ۲-۱-۲-۲. برگزیده بودن امام

در فرازی از زیارت‌نامه اربعین این‌گونه به امام حسین (ع) سلام می‌نماییم: «السَّلَامُ عَلٰی صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيهِ»؛ «سلام بر بنده برگزیده خدا و فرزند برگزیده‌اش». و در جایی این‌گونه شهادت می‌دهیم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ صَفِيكَ وَابْنَ صَفِيكَ».

صَفَاء: پاک بودن چیزی است از آلودگی. و از این معنی است واژه «صَفَاء» یعنی سنگ صاف. در آیه: (إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ) (بقره: ۱۵۸)، «صفا» اسمی است برای مکانی مخصوص. اصْطَفَاء: گرفتن و برگزیدن پاکی چیزی. همان‌گونه که اختیار، گزینش در خیر و نیکی است. واژه «اجتباء» گرفتن مالیات از جاهای مختلف (راغب، ۱۳۷۶: ۲/۴۰۷).

اصْطَفَاءُ اللَّهِ بعض عباد: ممکن است به معنی آفرینش باشد که خدای تعالی بعضی از بندگانش را پاک و خالص از آلودگی‌هایی که در غیر از آن هست آفریده و یا این است که آفرینش آن‌ها به مقتضای حکم و اختیار اوست هر چند که این معنی از معنی اول، خالی و جدا نیست.

در قرآن نیز واژه اصطفاء به معنای برگزیدن آمده است: (اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ) (حج: ۷۵)؛ «خدای از فرشتگان و مردم رسولانی برمی‌گزیند». (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا) (آل عمران: ۳۳)؛ (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكَ وَطَهَّرَكَ و...) (آل عمران: ۴۲)؛ «فرشتگان به حضرت مریم گفتند ای مریم خداوند تو را برگزید و پاک کرد».

اصْطَفَيْتُ كَذَا عَلٰی كَذَا: آن را بر دیگری برگزیدم و اختیار کردم (راغب،

بدین ترتیب می‌توان گفت: «صفوة» به معنای «گزینش شده و برگزیده» است و چون سفیران الهی، با توجه به عصمتی که دارند، چیزی جز فضایل ندارند، عصاره و برگزیده آن‌ها - در حقیقت - به منزله گلابی است که عطر فضایل آن خرمن‌های گل را در خود گردآورده است. به عبارت دیگر همان‌گونه که شیشه حاوی عطر را می‌توان خلاصه و برگزیده خرمن گل دانست، به اهل بیت وحی و نبوت نیز که صفوة المرسلین‌اند، می‌توان گفت شما خلاصه فضایل پیامبران الهی و برگزیده آنان هستید (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۴۰۹/۳).

عناصر محوری فضایل انسان معصوم، برجسته‌ترین اوصاف است. یکی از آن‌ها عنوان «صفوت» است؛ چنان‌که قرآن حکیم برخی از اُسوه‌های نبوت و ولایت را به وصف اصطفای ستوده است: (ان الله اصطفى آدم و نوحاً و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین) (آل عمران: ۳۳). تحریر یک عنصر کمالی، به تحلیل مبادی داخلی و تعلیل مبادی خارجی (نظیر مبدأ فاعلی و غایی آن) وابسته است. جریان صفوت نیز از همین قبیل است؛ لذا گاهی اصل اصطفای اهل بیت عصمت (علیهم السلام) مطرح شده است؛ مانند: «المصطفون»؛ و زمانی به مبدأ فاعلی آن (یعنی خداوند سبحان که مُصطفی است) عنایت شده: «اصطفاکم» و گاهی به سبب اصطفای مزبور اشاره می‌شود و در مرحله نهایی به سبب غایی آن پرداخته شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۴۱۰/۳).

با توجه به مطالب فوق به این نتیجه می‌رسیم که امام حسین (ع) برگزیده الهی هستند همان‌گونه که جد و پدر بزرگوارشان برگزیدگان الهی بودند. خداوند ایشان را برگزید و حجت قرار داد تا مایه هدایت و سعادت آدمیان، و نجات بخش آن‌ها از جهل و ضلالت باشند. حتی در این راه جان خویش را بذل نمود؛ چنانکه در فرازی از زیارت‌نامه اربعین می‌خوانیم:

وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ، فَأَعْدَرَفِي الدُّعَاءِ، وَمَنْحَ النَّصْحِ، وَبَدَلَ  
مُهْجَتَهُ فَيْك، لِيَسْتَنْفِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَخَيْرَةَ الضَّلَالَةِ؛

و او را از میان جانشینان حجت بر بندگانت قرار دادی، و در دعوتش جای



عذری باقی نگذاشت، و از خیرخواهی دریغ نورزید، و جانش را در راه تو بذل کرد، تا بندگان را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ۷۸۹).

### ۲-۲-۳. ولادت پاک و اصالت خانواده

در فرازی از زیارت نامه اربعین خطاب به امام حسین (ع) چنین می‌گوییم:

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِحَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا، وَلَمْ تُلْبِسْكَ الْمُذْهِمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا؛  
گواهی می‌دهم که تو در صلب‌های بلندمرتبه و رحم‌های پاک نوری بودی، جاهلیت با ناپاکی‌هایش تو را آلوده نکرد، و از جامه‌های تیره و تارش به تو نپوشاند.

یکی از اعتقادات شیعیان طهارت نسبی و خاندانی اهل بیت (علیهم السلام) است. به عبارتی امام معصوم (ع) از خلقت نوری تا خلقت خاکی و ورود به عالم نسل و دنیا به هیچ پلیدی آلوده نشدند و صلب پدران و رحم‌های مادرانی که از او زاده می‌شوند نیز از هر رجس و زشتی به دور هستند. رشد و نمو پیامبران و امامان معصوم (ع) هم در خانواده‌ای شکل می‌گیرد که خود از لحاظ ایمانی و اخلاقی بهترین‌اند؛ چراکه الگوبودن آن‌ها برای مردم و لزوم اعتماد و وثوق مردم به حجت‌های الهی و هادیان چنین اقتضا می‌کند. حضرت علی (ع) در خطبه ۹۴ نهج البلاغه به این طهارت و پاکی ولادت و اصالت خانوادگی انبیا و حجت‌های الهی این گونه اشاره می‌نماید:

فَأَسْتَوْدَعُهُمْ فِي أَفْضَلِ مُسْتَوْدَعٍ وَأَفْرَهُمْ فِي خَيْرِ مُسْتَقَرٍّ تَنَاسَخَتْهُمْ كِرَامُ الْأَصْلَابِ إِلَى مُطَهَّرَاتِ الْأَرْحَامِ. كُلَّمَا مَضَى مِنْهُمْ سَلْفٌ قَامَ مِنْهُمْ بِدِينِ اللَّهِ خَلْفٌ حَتَّى أَفْضَتْ كِرَامَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى إِلَى مُحَمَّدٍ (ص) فَأَخْرَجَهُ مِنْ أَفْضَلِ الْمُعَادِنِ مَنِيئًا وَأَعَزَّ الْأَرْوَاقِ مَغْرِسًا مِنَ الشَّجَرَةِ الَّتِي صَدَعَ مِنْهَا أَنْبِيَاءُهُ وَانْتَجَبَ مِنْهَا أُمَّتَاءُهُ عَشْرَتُهُ خَيْرُ الْعِتْرِ وَأُسْرَتُهُ خَيْرُ الْأُسْرِ وَشَجَرَتُهُ خَيْرُ الشَّجَرِ (سید رضی، ۱۳۸۶: خطبه ۹۴)؛

پروردگار پیامبران را در برترین امانت‌گاه به امانت سپرد و در بهترین قرارگاه جایشان داد و آن‌ها را از صلب‌های بزرگوار به رحم‌های پاک انتقال داد. چون یکی از دنیا رفت دیگری را برای حمایت دین خود جایگزین کرد تا این که کرامت

و بزرگواری پروردگار شامل حال حضرت محمد (ص) شد و او را از بهترین خاندان و گرامی ترین دودمان قرار داد. از شجره طیبه ای که پیامبران و امینان خود را از آن انتخاب کرده بود. خاندان او، بهترین خاندان هاست و اهل بیتش، نیکوترین اهل بیت ها. شجره او بهترین شجره هاست.

متکلمان امامیه هم در کتاب های خود به لزوم پاکی ولادت، نسب خانوادگی، منزله بودن از هرگونه عیوب خلقتی و اخلاقی پیامبران و جانشینان آن ها اشاره می کنند و بر ضرورت پاکی حجت های الهی از هرآنچه موجب تنفر و سلب اعتماد مردم از آن ها و در نتیجه، نقض غرض خدای حکیم می شود تأکید می نمایند (حلی، ۱۴۰۲: ۱۰).

نتیجه ای که از این فراز از زیارت نامه اربعین و سایر روایات هم خانواده و کلام بزرگان حاصل می شود این است که امام حسین (ع) همانند دیگر حجت های الهی از پاک بودن ولادت و اصالت خانواده برخوردار است. تا جایی که حضرت در موارد مختلف به این فضل خود اشاره می کند. بعد از ایشان هم اهل بیت ایشان مانند حضرت زینب (س) (رنجبر حسینی، ۱۳۹۵ الف: ۳۲) و امام سجاد (ع) (رنجبر حسینی، ۱۳۹۵ ب: ۷۸) در مناظرات و احتجاجات خود با دستگاه اموی به این ویژگی امام حسین (ع) و خاندانش استناد می نمایند.

#### ۲-۱-۴. رجعت امام

در فرازی دیگر از این زیارت نامه این چنین امام حسین (ع) را خطاب می نمایم:

وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأُمَّتَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَأَعْلَامُ الْهُدَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى  
أَهْلِ الدُّنْيَا، وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ؛

و گواهی می دهم که امامان از فرزندان، اصل تقوا، و نشانه های هدایت، و دستگیره محکم، و حجت بر اهل دنیا هستند و گواهی می دهم که من به یقین مؤمن به شمایم، و به بازگشتتان یقین دارم.

«رجعت» در لغت به معنای «بازگشت» است و مراد از آن، این است که خداوند گروهی از مرگان را با همان شکل خود به دنیا بازمی گرداند. و در اصطلاح به معنای «بازگشتن روح به بدن» است و بر بازگشت گروهی از انسان ها پس از مرگ و پیش از روز

رستاخیز اطلاق می شود .

رجعت در اصطلاح علم کلام و در عقیده شیعیان عبارت است از: برگشت جمعی از مؤمنان به دنیا پیش از قیامت در زمان قائم (ع) یا پیش از آن یا بعد از آن برای دیدار دولت حق و شادی از آن، و برای انتقام از دشمنان خود؛ و هم رجوع جمعی از کافران و منافقان برای انتقام گرفتن از آنان (کلینی، ۱۴۰۷: ۸۳/۲).

با بررسی آیات و روایات می توان فلسفه وقوع رجعت را این گونه برشمرد: مجازات سخت کافران، زمینه سازی تکامل معنوی یا تکامل شقاوت، مدال عظیم یاری امام برای منتظران واقعی (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۵۵۹)، شفای دل اهل ایمان (طبرسی، ۱۳۶۰: ذیل آیه ۸۳ نمل)، لذت بردن مؤمنان از حاکمیت اسلام و نصرت دین و حکومت عدل جهانی (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۲۷۲).

با توجه به آنچه از روایات اسلامی استفاده می شود، رجعت جنبه همگانی ندارد، بلکه تنها برخی مؤمنانی که در یک مرحله عالی از ایمان قرار دارند، بازگشت خواهند کرد شاید این بازگشت به منظور تکامل معنوی آن ها باشد تا شاهد و ناظر حکومت جهانی حق و عدالت باشند و در بنای این حکومت شرکت جویند؛ چراکه شرکت در تشکیل چنین حکومتی از بزرگ ترین افتخارات است.

چنان که امام جعفر صادق (ع) در حدیثی می فرماید: «أَنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَهِيَ خَاصَّةٌ لِأَيِّجُوعِ الْأَمْنِ مَحْضِ الْإِيْمَانِ مَحْضاً أَوْ مَحْضِ الشَّرْكِ مَحْضاً»؛ «رجعت عمومی و همگانی نیست، بلکه خاص است و فقط کسانی به دنیا بازمی گردند که مؤمن خالص یا مشرک محض باشند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸۳۱/۲).

بر اساس روایات اسلامی، رجعت از روزهای بزرگ و مهم عالم است که از آن در قرآن به «ایام الله» (روزهای خدا) یاد شده است (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۴۲). اعتقاد به رجعت از نشانه های شیعیان اهل بیت (علیهم السلام) است. برای همه مؤمنان و منتظران واقعی ظهور حضرت مهدی (عج) که پیش از ظهور آن ظهور از دنیا رفتند، امکان رجعت به دنیا و یاری آن امام وجود دارد (شیخ کلینی، ۱۴۰۷: ۷/۲)؛ برخلاف مؤمنین که رجعتی اختیاری دارند کفار و منافقان هرگز به میل و اراده خود به دنیا بازمی گردند، بلکه از روی

اجبار به رجعت تن می دهند. از جمله مؤمنان رجعت کننده، پیامبران و امامان معصوم (علیهم السلام) هستند و اولین امامی که در زمان رجعت، پس از امام مهدی (عج) حکومت عدل جهانی را بر عهده می گیرد، حضرت امام حسین (ع) است که سال های بسیار حکومت خواهد کرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۶/۵۳).

در برخی روایات به طور مشخص نام افرادی که رجعت می کنند ذکر شده است، از پیامبران، حضرت اسماعیل بن حزقیل و دانیال و یوشع و عیسی و خضرو حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (علیهم السلام) و جمعی از اصحاب چون سلمان، مقداد، جابر بن عبدالله انصاری، مالک اشتر، مفضل بن عمرو و حران بن اعین و میسر بن عبدالعزیز و اصحاب کهف و... ذکر شده اند (همان: ۶۱ و ۱۰۵ و ۱۰۸).

از روایت وارده مشخص می شود که امر رجعت امام حسین یکی از مسلمات و حتمیات مکتب تشیع است. و همچنین در روایات متواتر ایشان را به عنوان اولین رجعت کننده معرفی می کنند. امام صادق (ع) می فرماید:

جَمِيلُ بْنُ دَرَّاجٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ وَ زَيْدِ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالَ سَمِعْنَا  
يَقُولُ إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَكْرُفِي الرَّجْعَةَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَ وَيَمُكُثُ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ سَنَةً  
حَتَّى يَسْقُطَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ؛

نخستین کسی که زمین برای او شکافته می شود و روی زمین بازمی گردد، حسین بن علی (ع) است و به قدری حکومت می کند که از کثرت سن ابروهایش روی دیدگانش می ریزد (همان: ۶۴).

با توجه به اینکه در اکثر زیارت نامه های معصومین این تعبیر اعتراف و شهادت دادن زائریه رجعت امام معصوم (ع) وجود دارد، مشخص می شود امامان معصوم در قالب زیارت ها، آموزه هایی همچون آموزه رجعت را به شیعیان خود تعلیم می دادند. البته احادیث و شواهد بر رجعت امام حسین (ع) در مجموعه احادیث وارد شده پررنگ تر است.

## نتیجه

آموزه امامت منصوص یکی از اعتقادات شیعه اثنی عشری است. در این اعتقاد امام

کسی است که از سوی خداوند عهده‌دار هدایت مردم و تبیین دین الهی است. این امام دارای اوصاف و ویژگی‌هایی است که او را از سایر مردم ممتاز می‌کند. شناخت این اوصاف از رهگذر توصیفات است که خود امامان معصوم از این مقام و جایگاه داشته‌اند. از مهم‌ترین منابع این توصیف‌ها، زیارت‌نامه‌های معتبر و مأثوره است. این زیارت‌نامه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) به نوعی دائرةالمعارف شیعی محسوب می‌شوند که حاوی معارف ناب شیعی در حوزه امامت در قالب زیارات و خطابات هستند. یکی از این زیارت‌نامه‌ها، زیارت امام حسین (ع) در روز اربعین است که از زیارت‌نامه‌های معتبر است. پس از تحلیل فرازهای منتخبی از این زیارت‌نامه پیرامون آموزه امامت به دست آمد: امام معصوم حجت الهی بر همه خلایق است و زمین هیچ‌گاه از حجت الهی خالی نخواهد ماند. این حجت‌های الهی برگزیده خداوند هستند تا با اوصافی همانند: علم، حکمت و عصمت خاص چراغ هدایت مردم باشند و آن‌ها را از جهالت و نادانی برهانند. امامان معصوم میوه و ثمره شجره طیبه نبوت هستند که ولادتی پاک داشته‌اند و اجداد و پدران و مادران آن‌ها از هر بدنامی و زشتی و پلیدی که موجب نفرت مردم شود، به دور هستند. امامان معصوم بر اساس تصریح زیارات متعدد و سایر روایات نقل شده در منابع روایی معتبر، در زمره رجعت‌کنندگان هستند. از بین روایات، روایات رجعت امام حسین (ع) بیشترین حجم روایی را به خود اختصاص داده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- قرآن کریم
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۰۹ق). *إقبال الأعمال*، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ دوم؛
- ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۱۴ق). *معجم مقاییس اللغه*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول؛
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۴ق). *لسان العرب*، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی، چاپ چهارم؛
- بندر ریگی، محمد. (۱۳۷۱ش). *فرهنگ جدید عربی-فارسی*، تهران: انتشارات اسلامی؛
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۱). *ادب فنای مقربان*، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ اول؛
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۶۲). *الایقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه*، ترجمه احمد جنتی، تهران: نشر نوید، نرم افزار کتاب های اسلامی اینترنتی؛
- حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۲۷ق). *الباب الحادی عشر*، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم؛
- حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۰۴ق). *منتهی المطلب*، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ اول؛
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۴ش). *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، مترجم: غلامرضا خسروی، محقق/مصحح: غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی، چاپ دوم؛
- رنجبر حسینی، محمد. (۱۳۹۵الف). «منطق حاکم بر احتجاجات امام سجاد(ع) پیرامون نهضت عاشورا»، پژوهش نامه معارف حسینی، شماره ۳، پاییز؛
- رنجبر حسینی، محمد. (۱۳۹۵ب). «منطق حاکم بر احتجاجات حضرت زینب(س) پیرامون قیام امام حسین(ع)»، پژوهش نامه معارف حسینی، شماره ۴، زمستان؛
- سید رضی. (۱۳۸۶). *نهج البلاغه*، ترجمه مرحوم دشتی، قم: انتشارات نسیم کوثر،



چاپ سوم؛

- شیخ طوسی. (۱۴۱۱ق). مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، بیروت: مؤسسة فقه الشیعة؛
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق و مقدمه محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم؛
- فاریاب، محمد حسین. (۱۳۹۱ش). معنا و چیستی امامت در قرآن، سنت و آثار متکلمان، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ اول؛
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی، به کوشش غفاری علی اکبر و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم؛
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳). بحار الانوار، تحقیق و تصحیح جمعی از محققان، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم؛
- مجلسی، محمد تقی. (بی تا). روضة المتقین، قم: موسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور؛
- مفید، محمد بن محمد. (۱۳۵۶). المناسک المزار، مصحح: ابطحی، محمد باقر، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول؛
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول؛
- مکارم شیرازی و همکاران، (۱۳۸۶). یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، قم: دارالکتب الاسلامیه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی